

مشکلات زبانی و ارتباطی: راهنمایی برای معلمان

دیمیترا هارتاس، ترجمه احمد رضانی و آتوسا رستم بیک. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱. چاپ اول، ۱۴۰ صفحه.

این کتاب به عنوان منبعی فرعی برای درس‌های روش‌های آموزش کودکان کم‌توان ذهنی و روان‌شناسی رشد در دوره کارشناسی رشته‌های روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، همچنین درس آسیب‌شناسی زبان و گفتار در دوره کارشناسی گفتاردرمانی و نیز منبع فرعی مورد نیاز برای درس‌های مرتبط با آموزش در رشته‌های تربیت دبیر به‌شمار می‌رود.

۱- بررسی شکلی اثر

- ترکیب چاپی کتاب در مجموع مطلوب ارزیابی می‌شود. طرح جلد به‌لحاظ رنگ و فضا برای بیننده آرام‌بخش به‌نظر می‌رسد و ترکیب کلی طرح ایده‌ای از تفاوت و کمبود را به ذهن متبادر می‌کند.
 - به‌لحاظ نگارش، خوب و روان است و به‌رغم وجود دو مترجم، متن یکدست است؛ مگر در برخی موارد که جمله‌های طولانی متن انگلیسی در ترجمه نشکسته و کمی جمله طولانی شده است. در نتیجه در جاهایی ساختار ترجمه‌ای به چشم می‌خورد. ویرایش خوب است، مگر از قلم‌افتادگی‌هایی که در ادامه به آن اشاره می‌شود.
 - بهتر بود به‌جای قلم B nazanin از قلم B lotus استفاده می‌شد، زیرا این نوع قلم، شکستگی کمتری دارد، خطوط آن خمیده است و باعث خستگی کمتری می‌شود. البته شاید این مورد هم تا حدودی سلیقه‌ای باشد، اما با توجه به بررسی چند کتاب دیگر از ناشران مختلف، مشاهده شد که کمتر کتابی با این نوع قلم به چاپ می‌رسد.
 - چند نمونه نگارشی و ویرایشی از یک صفحه کتاب مطرح می‌شود که البته این نوع اصلاحات را می‌توان در صفحات دیگر هم مشاهده کرد:
- ✓ ص ۷۳: «...می‌توانید دانش‌آموزان را تشویق کنید که اتفاق یا تجربه خارج از

مدرسه خود را با هم کلاسی‌هایشان در میان بگذارند». نکته اول درباره جمله‌بندی است. درست است که این جمله، مفهوم و قابل‌درک است، اما قدری به ساختار ترجمه نزدیک است تا فارسی روان. می‌توان این جمله و جمله‌های مشابه آن را - که در کتاب کم نیست - به صورت یک جمله روان فارسی بیان داشت: «می‌توانید دانش‌آموزان را به تبادل تجربه و رخدادهای خارج از مدرسه خود با هم کلاسی‌هایشان تشویق کنید» و البته این با اصل اقتصاد زبانی نیز هم‌سازتر است.

✓ نکته دوم درباره یکدستی نگارش است. در این جمله، کلمه تجربه با همزه‌ای بالای «ه» آمده تا «ی» کسره اضافه را نشان دهد؛ در حالی که همین علامت برای کلمه مدرسه، در همین جمله به کار نرفته است، در صورتی که باید به کار می‌رفت. این مورد هم در جای‌جای کتاب به چشم می‌خورد. رعایت این موارد باعث تسهیل در خواندن کتاب می‌شود و فرایند ادراک را با تأخیر مواجه نمی‌سازد. نمونه دیگر در زمینه یکدستی نگارش در همین جمله، کلمه «هم کلاسی‌هایشان» است که به همین صورت آمده و به نظر می‌رسد با توجه به اجزای تشکیل‌دهنده کلمه به همین صورت هم نوشته شود مناسب‌تر است. اما این یکدستی در جاهای دیگر رعایت نشده است، حتی در همین صفحه و در چند خط پایین‌تر: «احساساتشان» که اگر به صورت «احساسات‌شان» می‌بود با مورد قبلی هماهنگی می‌داشت. اما در چند خط پایین‌تر همین صفحه، «انتخابی‌اش» را داریم که به همین صورت آمده. به هر روی، اتخاذ روشی یکسان برای نشان دادن ضمیرهای متصل به یکدستی متن کمک می‌کند.

✓ نمونه دیگر در جمله‌بندی را می‌توان در انتهای همین صفحه و ابتدای صفحه بعد دید: «... می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند که بتوانند دیدگاه دیگران را درک کنند و به نوعی در گفتارهای هیجانی نیز شرکت نمایند». چرا نمی‌توانیم چندین جمله کوتاه را به یک یا دو جمله بلندتر تبدیل کنیم. می‌دانیم جمله‌های کوتاه زودتر درک می‌شوند، اما آمدن چندین جمله کوتاه در پی هم به صورت زنجیروار باعث می‌شود تا برای دریافت معنا اولاً مدام از یک قالب معنایی - یا یک جمله -

به قالب معنایی دیگر - یعنی جمله دیگر برویم و این تکرار قالب‌های معنایی، گاه خود باعث اختلال در دریافت می‌شود. دوم اینکه با این جمله‌های کوتاه، ذهن مخاطب / خواننده فارسی‌زبان را در همین حد نگاه می‌داریم و به او می‌آموزیم که ظرفیت ادراک معنایی خود را در همین اندازه نگاه دارد. این باعث می‌شود که خواننده در برخورد با جملات طولانی‌تر با مشکل مواجه شود و معنا را با درنگ دریابد، زیرا ذهن او را به جمله‌های کوتاه یا همان واحدهای معنایی کوچک عادت داده‌ایم. بر این اساس می‌توانیم جمله یادشده را بدین صورت تغییر دهیم: «...می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند در عین درک دیدگاه دیگران، در گفتارهای هیجانی هم شرکت کنند». در این صورت هم اقتصاد زبانی و هم نکته مورد بحث برآورده می‌شود. نمونه دیگر را در صفحه ۳۳ هم می‌توان دید: «زبان رفتاری پیچیده است که متأثر از عوامل زیادی است که خارج از محدوده کنترل شما است...» که می‌توان بدین صورت اصلاح کرد: «زبان، رفتاری پیچیده و متأثر از عوامل زیادی است که از کنترل ما خارج است».

- ✓ درباره اصل اقتصاد زبانی، به دو نمونه دیگر از همین صفحه اشاره می‌شود. در انتهای پاراگراف دوم: «... این کودک فرصت پیدا می‌کند...» که می‌توان گفت «... فرصت می‌یابد...». خط سوم از پاراگراف سوم: «به استفاده از... منجر می‌شود» که می‌توان گفت «... می‌انجامد». البته از آنجا که زبان فارسی، زبانی است که به استفاده از ترکیب، بیشتر گرایش دارد تا افعال بسیط، این نکته قابل اغماض است، اما در جاهای مختلف کتاب دیده می‌شود که حتی درباره مصدرها و برخی کلمات هم این امر مشاهده می‌شود و بنا بر اصل اقتصاد زبانی، رعایت این موارد باعث تحمیل کلمات و در پی آن، عبارات کمتری به ذهن خواننده می‌شود و بدین ترتیب خواننده ضمن خستگی کمتر، ادراک آسان‌تری از متن خواهد داشت.
- ✓ در خط چهاردهم همین صفحه، علامت ویرگول نابجا به کار رفته و بنابراین با القای مکث به خواننده، ادراک را مختل می‌سازد: «...تا به پرسش‌های شما، جواب کوتاه ندهد».
- ✓ در خط شانزدهم، کلمه «تازه فرا گرفته شده» آمده اما نیم‌فاصله بین آنها از بین

نرفته است. سؤال این است که مگر این چند کلمه، یک معنی را منتقل نمی‌کنند؟ مگر در ترکیب با هم صفت نمی‌سازند؟ پس چرا نیم‌فاصله بین آنها حذف نشده تا هم یکدستی را در متن موجب شوند و هم خواندن آن را ساده سازند، تا خواننده بداند که با یک کلمه مواجه است نه چند کلمه: «تازه‌گرفته‌شده». در همین صفحه و در ابتدای پاراگراف سوم: «ادبیات محور» باید به صورت «ادبیات محور» یا «ادبیات - محور» اصلاح شود.

✓ خط سوم پاراگراف سوم همین صفحه: «شما می‌توانید با انتخاب چند کتاب...». نکته این است که ضمیر شما می‌تواند از ابتدای این جمله و بسیاری از جمله‌های دیگر این کتاب حذف شود. می‌دانیم که فارسی، زبانی ضمیرانداز است و انگلیسی زبانی ضمیرناانداز. بنابراین حذف ضمیر از ابتدای جمله‌های انگلیسی باعث نداشتوری شدن جمله می‌شود، اما در فارسی، جمله همچنان دستوری می‌ماند. علت هم این است که در فارسی می‌توانیم از راه شناسه موجود در افعال، این ضمیر را بازیابیم اما در انگلیسی چنین شناسه‌ای در فعل یافت نمی‌شود. حال، حضور فراوان ضمیر «شما» در ابتدای جمله‌ها - که چندین و چند مورد دیگر هم در کتاب هست - قدری ساخت ترجمه‌ای و زبان انگلیسی را به ما القا می‌کند. بنابراین بهتر است اصلاح شود.

- مواردی که بدان‌ها اشاره شد، نمونه‌هایی است که در تمام کتاب با آنها برخورد می‌کنیم و برای نمونه به شماری از آنها در یک صفحه اشاره شد. البته باید خاطر نشان ساخت که اصلاحات مطرح شده، چیزی از ارزش ترجمه کتاب نمی‌کاهد و همان‌طور که پیشتر اشاره شد، ترجمه روان و قابل فهم است. رعایت این موارد بر روانی ترجمه و بنابراین فارسی‌تر شدن آن می‌افزاید.

- کتاب دارای پیشگفتار، بیان هدف، فهرست تفصیلی مطالب، خلاصه فصل‌ها، فهرست اعلام و منابع است و در ترجمه، واژه‌نامه فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی نیز اضافه شده است. به لحاظ آنکه کتاب به عنوان متن درسی نوشته نشده است، تمرین و آزمون در آن به کار نرفته است و جدول، تصویر و نمودار ندارد.

۲- بررسی محتوای اثر

- کتاب، مختصر و فشرده است. البته تألیف کتاب به‌عنوان متن درسی نبوده و بیشتر برای اطلاعات عمومی معلمان و تغییر نگرش و دادن سرنخ‌هایی برای جهت‌دهی به ایشان نگارش یافته است. از این دیدگاه، کتاب موفق است و ترجمه هم تاحدودی به هدف‌های کتاب رسیده است.
- کتاب حاضر، با توجه به نحوه پرداختن به موضوع، نوعی روش‌شناسی و دستورالعمل درباره مشکلات ارتباطی و زبانی محسوب می‌شود که معلمان را به‌صورت مقدماتی با این مشکلات آشنا و برای رفع آن راه‌حلی ارائه می‌کند. بنابراین نویسنده در مقدمه، هدف خود را ذکر می‌کند و با روشی توصیفی و تاحدودی تحلیلی می‌کوشد تا به تفهیم موضوع و هدف خود بپردازد. در این راستا، طرح مقدماتی موضوع به‌خوبی صورت می‌گیرد و در پایان هر فصل، خلاصه‌ای از موضوعات بحث‌شده به‌دست می‌دهد.
- معادل‌سازی‌ها مناسب است. البته باید توجه داشت که خواننده ایرانی کتاب، معلم است و با اصطلاحاتی که به‌ویژه در حوزه زبان‌شناسی کاربرد دارد، آشنا نیست. بنابراین به‌نظر می‌رسد تعریف پاره‌ای اصطلاحات زبان‌شناختی و حتی تربیتی مفید خواهد بود.
- چنان‌که پیشتر یادآوری شد، کتاب محتوای درسی نیست؛ بیشتر به‌عنوان یک کتاب کمکی و تکمیلی برای درس‌های مرتبط با آموزش کودکان و بازپروری‌های زبانی، مهارت‌های اجتماعی و یادگیری، هم برای معلمان بخش آموزش عادی و هم معلمان آموزش ویژه (استثنایی)، بسیار مفید و لازم است. به این لحاظ جامعیت محتوای کتاب خوب است. البته بحث انگلیسی به‌عنوان زبان دیگر برای ما مطرح نیست، مگر اینکه بتوانیم مباحث این بخش را به‌گونه‌ای با آموزش در مناطقی که زبان بومی غیر فارسی دارند، ربط دهیم و از راهبردهای آن به‌سود آموزش در این بخش استفاده کنیم که این موضوع نیاز به کار دارد.
- موضوع کتاب و نحوه پرداختن به بحث و سطح تحلیل‌ها به‌گونه‌ای است که هر

مشکلات زبانی و ارتباطی: راهنمایی برای معلمان ۱۰۵

- معلمی باید از این موارد به‌عنوان اصولی مقدماتی آشنا باشد. با توجه به عنوان فرعی کتاب، «راهنمایی برای معلمان»، می‌توان آن را جزء اصول اولیه و نوعی اطلاعات نیمه‌تخصصی و راهنمای معلمان قلمداد کرد. و البته در این سطح موفق بوده است.
- با توجه به اینکه کتاب برای درس خاصی به‌طور مستقیم تألیف نشده، نباید انتظار مطابقت با سرفصل‌ها را داشت. ولی می‌توان گفت که چنین کتاب‌هایی در واقع تکمیل‌کننده سرفصل‌های موجود در حوزه‌های تربیتی است و بازنگری در سرفصل‌ها که به‌طور طبیعی باید در دوره‌های مناسبی صورت پذیرد، بی‌نیاز از منابع جدید در حوزه علمی مربوط به خود نیست.
 - کتاب تاحدودی جدید و برای جامعه ما هنوز به‌روز است و تازگی دارد. جای این ایده‌ها و رویکردها در نظام آموزشی ما هنوز خالی است و جا برای این دست ترجمه‌ها و تألیف‌ها گشاده است. البته از این نکته نیز غافل نباید بود که گرفتن این تفکرات نیازمند بحث‌های تحلیلی و انطباقی با شرایط بومی است که امید است بتوان در فرصتی بیشتر به این نکات پرداخت.
 - نویسنده درصدد است تا کتابی مقدماتی و راهنما برای معلمان تألیف کند تا آنان را با مشکلات زبانی و ارتباطی دانش‌آموزان آشنا سازد و توصیه‌هایی برای رفع آن مشکلات برای مخاطب کتاب ارائه می‌دهد. بر این اساس منابعی که به‌کار می‌گیرد متناسب با اهداف مورد نظرش است. هرچند می‌توان منابع دیگری را هم برای جامع‌تر ساختن موضوعات بحث مطرح کرد، چنان‌که گفته شد می‌توان این منابع را متناسب با اهداف مورد نظر کتاب و کافی دانست.
 - راهبردها و به بیان دیگر سرنخ‌های کتاب‌هایی از اینگونه، در واقع محرک خلاقیت معلمان می‌تواند باشد و از این جهت این خود یک نوآوری است. این کتاب‌ها برای معلمان ما این پیام را دارد که به کلاس درس خود و به دانش‌آموزان نگاه دیگری داشته باشید. کلاس درس می‌تواند و باید کیفیتی دیگر داشته باشد که از وضع کنونی ما فاصله زیادی دارد و باید تغییر جهت‌گیری را آغاز کرد. از سوی دیگر نشان‌دادن رابطه میان مشکلات زبانی و ارتباطی با مشکلات هیجانی و رفتاری، از مباحثی است

- که شاید در منابع دیگر کمتر به چشم خورده باشد. توجه به این نکته در مشکلات رفتاری کودکان برای معلمان و خانواده‌ها اهمیت بسیاری دارد.
- محتوای کتاب با معتبرترین منابع و مباحث حوزه روان‌شناسی تربیتی مطابقت دارد و مغایرتی از این نظر دیده نشد. ولی به همان علت که کتاب یک مرجع علمی یا یک اثر پژوهشی نیست و برای معلمان نوشته شده، نه الزاماً متخصصان و حکم بر ایجاز داشته، منابع نظریه‌های مطرح شده همه‌جا به دقت بیان نشده است.
 - به نظر می‌رسد منابع استفاده شده برای کتابی مقدماتی و راهنما کفایت می‌کند، اما جای بخشی به نام «منابع برای مطالعه بیشتر» خالی است. اصولاً در کتاب‌هایی مقدماتی با این حجم، فرصتی برای بحث‌های بیشتر و تخصصی‌تر فراهم نمی‌شود؛ اما این بحث‌ها را می‌توان با اشاره به منابع دیگر، ذیل بخشی که گفته شد پی گرفت.
 - در حفظ امانت مطالب نقل شده به نظر می‌رسد مشکلی وجود ندارد. مترجمان محترم نیز در ترجمه نهایت دقت را کرده‌اند که منطبق بر متن اصلی باشد و در ذکر منابع نیز کوتاهی نکرده‌اند؛ ولی همچنان که گفته شد، به حکم اختصار در بسیاری جاها ذکر منبع نشده است.
 - متن محدودتر از آن است که به نقد و بررسی بپردازد. البته همچنان که گفته شد، اینگونه ترجمه‌ها باید ماهیت تحلیلی و انطباقی داشته باشند، تا سوددهی آن برای جامعه ما بیشتر باشد. این کاری است که به‌رغم وفور ترجمه در ایران، هنوز از آن غفلت می‌شود و کسی به آن دست نیازیده است.
 - درباره سازواری محتوا با معیارهای علمی روز، اثر میرا از خطا به نظر می‌رسد و اصول علمی امروز هنوز خدشه‌ای به این مباحث وارد نمی‌کند. از نظر معیارهای اعتقادی باید گفت که اصول دینی و اسلامی، معیار تألیف اثر حاضر نیست، چون کتاب به جامعه انگلیسی تعلق دارد. البته مغایرتی هم مشاهده نمی‌شود. اگر این سؤال را متوجه مترجمان بدانیم، مترجمان محترم متنی را انتخاب نکرده‌اند که انجام راهبردهای آن یا حتی قبول نظریه‌های آن، مغایر باورهای دینی و اسلامی باشد. در واقع کتاب، نکته‌ای در تبیین با اصول ارزشی و اعتقادی مترجمان محترم نداشته است.

مشکلات زبانی و ارتباطی: راهنمایی برای معلمان ۱۰۷

- اثر، جهت‌گیری مستقیمی نسبت به اعتقادات دینی ندارد و دلیلی هم نیست که داشته باشد. به‌طور کلی کتاب اگر علمی باشد، خود را به دست‌انداز درافتادن با دین نمی‌افکند، مگر آنکه هدف نویسنده از ابتدا یا دست‌وپا کردن مستندات علمی برای دین‌ستیزی باشد، یا به‌عکس بخواهد دین را در آینه علم نشان دهد، که هر دو کاری سخت و خطرناک است. سرنوشت اولی که پیداست و دومی هم نیازمند تسلط گسترده در هر دو حوزه است تا موفق شود. به هر تقدیر اثر حاضر، چنین رویکردی ندارد.

پیشنهادها

- فرهنگ توصیفی اصطلاحات تخصصی در حوزه‌های زبان‌شناسی و روان‌شناسی و علوم تربیتی اضافه شود.
- منابعی برای مطالعه بیشتر پیشنهاد شود.
- مباحثی درباره انطباق‌های بومی و توجه به پدیده دوزبانگی در فرهنگ ایرانی فراهم شود و در این‌باره مباحث موجود در کتاب با عنوان «انگلیسی به‌عنوان زبان دیگر»، هم به مسایل بومی کمک کند و هم در متن کتاب تحت‌الشعاع آن قرار گیرد.